



نص | نشریه بسیج دانشجویی دانشکده فنی | دانشگاه تهران

مدیر مسئول: سعیدفضل زرنندی

سرمدبیر: سجاد محمدی

ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش اژانس مخالفیم. ما به اژانس بدبینیم؛ اژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست.

(۹۴/۴/۲)



سال ۱۹۹۱ یعنی چند ماه پس از اشغال کویت، بر اثر حمله آمریکا به عراق و فشار کشورها و سازمان های منطقه ای و بین المللی ارتش عراق از کویت عقب نشینی کرد اما شورای امنیت به بهانه استفاده از این حربه برای خلع سلاح عراق، تحریم ها را برداشت، ضمن اینکه تعامل با دولت عراق در زمینه فناوری های مرتبط با مسائل نظامی و هسته ای را نیز به لیست تحریم ها افزود.

جمله آخر قطعنامه ۶۸۷ که در سال ۱۹۹۱ برای تشکیل کمیسیون بازرسی تصویب شده بود، بسیار کلیدی بود: «شورای امنیت تصمیم دارد در صورت نیاز، گام های بیشتری برای اجرایی شدن این قطعنامه و حفظ صلح و امنیت در منطقه بردارد» این بدان معنا است که هر گاه عراق از مفاد این قطعنامه عدول کند، اهرم های فشار بیشتری علیه او اعمال خواهد شد. آمریکا با استفاده از همین قسمت قطعنامه، در سال ۱۹۹۸ میلادی عملیات بمباران «روباه صحرا» را در خاک عراق صورت داد. در آن زمان سیاست دولت کلینتون مبنی بر «مهار دوگانه» عراق انجام می شد. یعنی فشار سیاسی و حقوقی از طرف سازمان ملل و تهدید نظامی و حمله به مراکز عراق توسط ارتش آمریکا.

یکی از خطوط قرمزی که رهبری آن را گوشزد نموده بودند، موکول نمودن هر اقدامی به گزارش اژانس بود. چراکه اژانس بارها نشان داده مستقل عمل نمی کند. و به عدالت حکم نمی دهد. این در حالی است که در متن توافق نامه تصریح شده که لغو تمام مفاد قطع نامه های قبلی شورای امنیت منوط به اجرای اقدامات توافق شده ی مرتبط با صنعت هسته ای توسط ایران و با راستی آزمایی این اقدامات توسط اژانس می باشد. گاهی مناسبت ها و وقایع روز؛ آن چنان با رویدادهای تاریخی قابل تطبیق هستند، که گویی همان وقایع در حال تکرار می باشند. لذا، بر آن شدیم تا در این برهه حساس، برگه ای از تاریخ را مرور کنیم. آن چه که در ادامه می آید، مواردی است که تصدیق کننده همان فرمایش رهبری است که در بالا گفته شد. در این شماره موضوع عراق را بررسی خواهیم کرد. در شماره های بعد، لیبی، کره شمالی و موارد مشابهی را نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد. امید آن می رود که «بصیر» باشیم، تا که مصداق «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» قرار گرفته و مسیر درست را انتخاب نماییم.

با وجود اینکه حمله صدام حسین به ایران در سال ۱۳۵۹ با حمایت کشورهای غربی مواجه شد و آمریکا و سایر کشورهای اروپایی از ارسال سلاح گرفته تا کمک های مادی، هیچ گاه او را در مقابل ایران تنها نگذاشتند، آغاز جنگ اول خلیج فارس و حمله عراق به کویت - که در آن زمان محل استقرار نیروهای نظامی آمریکا و یکی از مراکز استراتژیک آمریکا در خلیج فارس بود- باعث تیره شدن روابط آمریکا با عراق و تحریم های سازمان ملل علیه این کشور شد. البته تا قبل از این، به کار بردن سلاح های شیمیایی علیه ایران هیچ گاه مورد انتقاد کشورهای غربی و به خصوص آمریکا قرار نگرفته بود و از زمانی که عراق به منافع آمریکا در خلیج فارس چشم دوخت، تهدیدها و تحریم های بین المللی وارد عمل شدند. و تحریم هایی را علیه کشور مهاجم تصویب کردند. قطع نامه ۶۶۱، قطع نامه ۶۸۷ و ... طبق قطعنامه ۶۸۷، کمیته ویژه ای توسط شورای امنیت ایجاد شد تا مفاد قطعنامه را پیگیری کرده و بازرسی از مراکز نظامی در عراق را انجام دهد. ضمن اینکه مقرر شد تا اژانس بین المللی انرژی اتمی و دبیر کل سازمان ملل، گزارشی را طی ۱۵ روز در مورد چگونگی پیشرفت مفاد قطعنامه ارائه کنند.

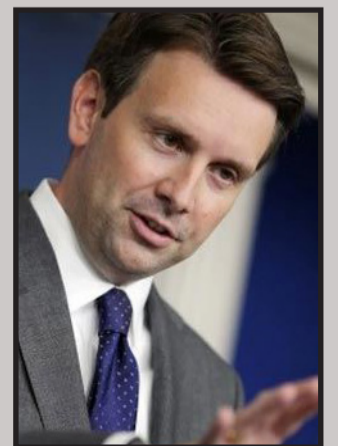
بعد از محکوم شدن -محکوم به در اختیار آمریکا قرار دادن اسناد و مدارکی که از عراق، طی بازدیدها تهیه شده بود- کمیته ای که توسط شورای امنیت ایجاد شده بود منهل شد. و شورای امنیت تصمیم گرفت سازوکار جدیدی را برای نظارت بر فعالیت های نظامی عراق ایجاد کند از این رو با تصویب قطعنامه ۱۲۸۴، «کمیسیون رصد، راستی آزمایی و بازرسی سازمان ملل» را تأسیس کرد. این کمیته نیز بعدها به همکاری با آمریکا در جنگ ۲۰۰۳ میلادی متهم شد.

در سال ۲۰۰۲ باز هم صدام به بازرسان اجازه داد به عراق بازگردند. اما باز هم در سازمان ملل قطعنامه ها علیه عراق تصویب شد. این در حالی بود که صدام، قطعنامه سازمان ملل درباره خلع سلاح خود را پذیرفته بود. علی رغم همکاری های حکومت عراق، بوش به این کشور در سال ۲۰۰۳ حمله کرد و رژیم بعث را از بین برد!

هم اکنون نیز در عراق همچنان کشتار و خونریزی ها ادامه دارد. آمریکا پیشتر گفته بود برای به ارمغان بردن صلح و امنیت به افغانستان و عراق حمله کرده است، اما تاکنون هیچ گاه امنیت به این دو کشور بازنگشته است.

آنچه خواندید، سرنوشت عراق بود. عراق هم مانند ایران تحریم شد. عراق به دلیل فشارهای وارده، به ناچار با نظارت شورای امنیت بر فعالیت های نظامی خود موافقت کرد. بازرسان را راه داد. و لیست پایگاه های خود را در اختیار آنان قرار داد. اما در نهایت با حمله به همان پایگاه ها مواجه شد و مشخص شد اطلاعاتی که شورای امنیت از آن می خواست، برای رفع نگرانی های منطقی آنها نبود. بلکه نوعی عملیات شناسایی برای شناخت اهداف عملیات نظامی در سال ۱۹۹۸ بود. این جاست که می گوییم: «ما با موکول کردن هر اقدامی به گزارش اژانس مخالفیم. ما به اژانس بدبینیم؛ اژانس نشان داده که هم مستقل نیست، هم عادل نیست.» به طور کلی، اژانس بین المللی در یکی دو دهه اخیر اقدامات ضدو نقیضی داشت و نکته ای که البرادعی مدیر کل پیشین اژانس بین المللی نیز در خاطرات خود به آن تصریح می کند بحث بازرسی هاست. بازرسی های این نهاد از مراکز نظامی عراق و افشاگری هایی که توسط بازرسان اژانس انجام شد، کاملاً مشخص است که این نهاد بین المللی با یک استاندارد متناقض با پرونده کشورهای مختلف برخورد می کند.

سخنگوی کاخ سفید: «نکته کلیدی این است که (پس از توافق) گزینه نظامی تقویت هم می شود. چراکه طی این سال ها ما جزئیات بیشتری از برنامه هسته ای ایران جمع آوری خواهیم کرد. بنابراین، زمانی که وقت تصمیم گیری فرماندهان نظامی آمریکا و اسرائیل در مورد هدف گیری می رسد، به دلیل اطلاعاتی که طی این سال ها به لطف رژیم بازرسی ها جمع آوری کرده ایم، آن تصمیمات به طرز چشم گیری مبتنی بر اطلاعات بوده و توانمندی های ما ارتقا یافته اند.»



فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

اسب تروای گاوچران ها

در آن زمان، انتصاب کی به عنوان بازرس حراستی برای من یک معما بود. طبق اطلاعات من، هیچ تخصص علمی یا فنی نداشت؛ سابقه تحصیلی اش در زمینه امور بین الملل بود. او را به عنوان یک فرد باهوش، مودب و سخن ور می شناختم. اما وقتی آژانس بین المللی انرژی اتمی او را برای تیم عملیات عراق منصوب کرد، به نظر می رسید دگرگون شده باشد. وقتی اجرای قطع نامه ۶۸۷ تحت بحث و بررسی بود، با هم به نیویورک سفر کرده بودیم. بدون مشورت با من و یا اینکه من را هم مطلع کند جلسات خود را با مقامات رسمی آمریکا برنامه ریزی کرده بود. حرکتی تند و قابل توجه و دور از عرف رایج آژانس بین المللی انرژی اتمی.

با نگاهی به گذشته، فکر می کنم ممکن است سازمان اطلاعات آمریکا در تلاش بود تا به وسیله کی به اطلاعاتی دست یابد. که توسط تیم عملیات عراق آژانس بین المللی انرژی اتمی جمع آوری شده بود. گماشتن وی در تیم آژانس بین المللی انرژی اتمی در اصل با هدف مدیریتی و اجرایی بود. با این حال به نوعی از وی خواسته شده بود دو مورد از بحرانی ترین و تعیین کننده ترین بازرسی ها را رهبری کند. اینکه آیا بلیکس یا زیفررو درباره رابطه احتمالی کی با سازمان اطلاعات آمریکا آگاهی داشتند یا نه مطلع نیستیم. (همان، ص ۳۶)

تقریباً ۵۰۰۰ بازرسی انجام شده بود که بیش از ۵۰۰۰ بازرس در آن روزهای بازرسی کار کرده بودند. بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی بر تخریب و انهدام بیش از پنجاه هزار متر مربع از تاسیسات اتمی، تقریباً دوهزار چرخه سوخت یا مواد مربوط به تسلیحات اتمی و بیش از ششصد تن متریک آلیاژ ویژه نظارت کردند. به عنوان مثال، تاسیسات الاثیر که به منظور توسعه، آزمون و تولید سلاح اتمی طراحی شده بود، با استفاده از انهدام انفجاری تحت نظارت آژانس و آنسکام تخریب شد. همه تاسیسات و تجهیزات غنی سازی اورانیوم پاکسازی شده بودند. (همان، ص ۴۶)

دو سال بعد، واشنگتن پست و بوستون گلوب نوشتند که اعضای آنسکام با یک سری عملیات استراق سمع الکترونیکی آمریکا همکاری کرده اند که به عوامل اطلاعاتی آمریکا اجازه می داد ارتباطات نظامی عراق را کنترل و ردیابی کنند. خود اسکاوت ریتز اعتراف کرد که آنسکام چقدر این کار را با مهارت انجام داده بود. در سال ۲۰۰۲، در مصاحبه ای با فاکس نیوز گفت:

ریچارد باتلر به ایالت متحده اجازه داد از روند بازرسی تسلیحاتی سازمان ملل به عنوان اسب تروای برای وارد کردن توانمندی های اطلاعاتی و جاسوسی خود به عراق استفاده کند، امری که مورد تایید و موافقت سازمان ملل نبود و فرآیند خلع سلاح را تسهیل نمی کرد، اما در مقابل، بر امنیت صدام حسین و اهداف نظامی متمرکز بود... ریچارد باتلر، جاسوسی آمریکایی ها را در عراق امکان پذیر و آسان کرد. ریچارد باتلر دستکاری آمریکایی ها را در فرآیند بازرسی را آسان کرد... (همان، ص ۴۸)

نقش آژانس بین المللی انرژی اتمی در قضیه عراق با آغاز جنگ در مارس ۲۰۰۳ به پایان نرسید. اختیار بازرسی که از سوی شورای امنیت به ما داده شده بود به قوت خود باقی ماند. (همان، ص ۹۷)

سبک بازرسی کی - که حتی رابرت گالوچی از آن به عنوان گاوچران یاد می کرد - خوشبختانه در میان هیئت بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی رایج نبود، اما قضیه درباره آنسکام متفاوت بود. در همان سفر به صحرا شاهد بودم که چگونه دانشمندان ارشد عراقی به خاطر رفتار یک بازرس کمیته ویژه سازمان ملل که وی را در جمع به دروغ گویی متهم می کرد، با ناامیدی اشک می ریخت. بعدها، با اتوبوس از صحرا بازمی گشتیم، نگاهی به اطراف انداختم. اتوبوس مملو از افراد آمریکایی بود. بسیاری از آن ها از آزمایشگاه های ملی آمریکا آمده بودند. به لحاظ فنی کاملاً خیره و با مهارت بودند، اما درباره انجام بازرسی های بین المللی یا مهم تر از آن در مورد اینکه چگونه در فرهنگ های مختلف رفتار کنند، هیچ چیز نمی دانستند. از گفت و گوهای گستاخانه آن ها واضح بود بر این باورند که با آمدن به یک کشور شکست خورده، به خود اجازه می دهند هر رفتاری می خواهند، انجام دهند. (همان، ص ۳۷)

۱ برخی بازرسان کمیته ویژه سازمان ملل بدون توجه به حساسیت های فرهنگی و دینی به استفاده افراطی از قدرت خود ادامه می دادند. بدون مدرک و سرزده برای جست و جوی تسخیرات کشتار جمعی وارد مسجدها و کلیساها می شدند. در تعطیلات مذهبی محلی، در حالی که هیچ اجبار و فوریتی برای انجام این کار وجود نداشت، به بازرسی ادامه می دادند. بعدها بر بازرسی کاخ های صدام حسین اصرار ورزیدند. نه به خاطر مدارک اطلاعاتی محکم، بلکه ظاهراً فقط به این دلیل که نشان دهند توانایی انجام این کار را دارند. گاه فکر می کردم اگر شرایط تغییر می کرد و با آن ها چنین رفتاری می شد، چه احساسی پیدا می کردند. (همان، ص ۳۸)

۲ مخرب ترین و زیان بارترین اقدام، تصمیم کی و گالوچی برای ارسال مدارک مهم و حیاتی به وزارت امور خارجه آمریکا بود، قبل از اینکه حتی آژانس بین المللی انرژی اتمی یا کمیته ویژه سازمان ملل آن ها را دریافت کنند. گالوچی تأکید داشت که آن ها این کار را به این دلیل انجام داده اند که آن خطوط ارتباطی «معتبرتر» بودند. اما نتیجه این کار از بین رفتن اعتبار آژانس و آنسکام بود. نه تنها از نظر عراقی ها که آژانس را متهم می کردند به «یک سرویس اطلاعاتی با ماسک ویژه تحت سرپرستی و قیمومیت آمریکا و متحدان آن» تبدیل شده است، بلکه از نظر جامعه بین الملل نیز شهرت و اعتبار آژانس و آنسکام زیر سوال رفت. با وجود حمایت وسیع بین المللی از بازرسی ها، کشورهای عضو توجه زیادی به چگونگی انجام بازرسی ها معطوف می کردند و بسیاری از آن ها نسبت به هر اشاره و دلالتی که نشان می داد بازرسان بین المللی با آمریکا یا دیگر آژانس های اطلاعاتی ملی تباری و همدستی دارند، حساسیت نشان می دادند. این احساس بویژه باعث افت اهمیت آنسکام شد و در نهایت به سقوط آن منجر شد. (همان، ص ۴۰)



۵ ما شاهد خشونت و تجاوز بوده ایم. زمانی که هیچ خطری ما را تهدید نمی کرد (در عراق)؛ شاهد تردید و عدم اتخاذ اقدامات مناسب بوده ایم زمانی که یک خطر واقعی پدیدار گشت (در کره شمالی)؛ و هم اکنون هم به جای مذاکره سازنده و بامعنی، شاهد بن بست طولانی به همراه تهدید و ژست های سیاسی هستیم (در ایران). (همان، ص ۱۸)

۶ چند سال از حمله به عراق می گذرد و از آن سال تا به حال چندین منبع تأیید کرده اند که توجیه غرب از حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ - یعنی ادعای ایالات متحده و بریتانیا مبنی بر اینکه برنامه سلاح های کشتار جمعی صدام حسین تهدیدی قریب الوقوع برای آن هاست - در واقع کاملاً بی پایه و اساس بوده است... در واقع تصمیم آمریکا و بریتانیا برای حمله به عراق اصلاً ربطی به سلاح های هسته ای نداشت. (همان، ص ۱۵)

۷ در پایان توانستیم آن ها را از بعضی پیشنهادات جنگ جوانه منصرف کنیم. اما آن ها به یک اقدام اصرار داشتند: مصاحبه با دانشمندان عراقی خارج از عراق به همراه خانواده هایشان به منظور پرهیز از مجازات آن ها توسط رژیم صدام حسین... هرچه گفتیم تأثیری نداشت. آمریکایی ها واقعاً به این ملاحظات حقوق بشری توجه نداشتند. متقاعد شده بودند مصاحبه با دانشمندان در عراق ایده خوبی است. گفتند در هر حال نمی توانند این اقدام را تغییر بدهند. چراکه «در بالاترین سطح» حکومت آمریکا به تصویب رسیده بود. این بند در قطع نامه باقی ماند. (همان، ص ۷۰)

۸ بازرسی ها ۱۳ نوامبر ۲۰۰۲ به طور رسمی آغاز شد. فوریت، مشخصه اصلی مأموریت جدید عراق بود. زیرا اگر عراق در نشان دادن حداکثر همکاری برای اثبات تسلیم تسلیحات کشتار جمعی خود با شکست رو به رو می شد، تهدید قریب الوقوع عملیات نظامی را پیش روی خود داشت. این تهدید، به ویژه وقتی وارد جریان های مطبوعاتی می شد و با فعالیت های مقامات پشت صحنه و لفاظی مقامات رسمی غربی - از جانب ایالات متحده و انگلستان - همراه می شد بکلی دورنمای فعالیت ها را در سراسر ماه های بازرسی تحت تأثیر قرار می داد. رگبار گلوله بی رحمانه ای وجود داشت. هر اقدامی از سوی عراق ناکافی فرض می شد. هر تأخیری به عنوان شاهدهی بر عدم همکاری گزارش می شد. (همان، ص ۷۲)

۱۱ اگر قرار است تحت حاکمیت قانون زندگی کنیم، پس تعقیب جنایت های جنگی نباید تنها به بازنده های جنگ، از جمله اسلوبودان میلوسویچ یا به عمر البشیر که از یک منطقه فقیر و تحت ستم آمده بود، محدود شود. هنجارهای قانونی، به منظور حفظ مشروعیت، باید از لحاظ کاربرد وحدت داشته باشند. در غیر این صورت، به عنوان یک جامعه بین الملل برای استفاده از استانداردهای دوگانه مقصر شناخته می شویم.

آیا ما به عنوان جامعه بین الملل برای انجام اقدامات اصلاحی لازم جرأت و ذکاوت کافی داریم تا مطمئن باشیم چنین ترازوی دیگر هرگز رخ نخواهد داد؟ (همان، ص ۱۰۸)